

صدا

نشریه روزانه
سیکدهمین
جشنواره بین المللی
نمایش عروسکی
تهران

یکشنبه
سوم مردادماه
۱۳۸۹



معاون امور هنری به تماشای نمایش های جشنواره آمد

حمید شاه‌آبادی معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به تماشای نمایش های جشنواره نشست. حمید شاه‌آبادی روز گذشته در مجموعه تئاتر شهر حاضر شد و با سرکشی به تمام سالن‌های این مجموعه، لحظاتی از هر یک از نمایش‌ها را تماشا کرد. او علاوه بر تماشای نمایش‌ها از پشت صحنه نمایش «تایک بشمار» زهرا صبری هم دیدن کرد.



معاون هنری در این بازدید به تمام اتاق‌های فنی مجموعه تئاتر شهر سرکشی کرد و به کارکنان فنی تئاتر شهر خسته نباشید گفت.

حمید شاه‌آبادی از نمایش‌های خیابانی و میدانی که در فضای باز تئاتر شهر اجرا می‌شوند، دیدن کرد. او در کنار غرفه عروسک لحظاتی را توقف کرد و درباره ساخت و ساز عروسک‌های کاغذی هم که در غرفه ساخت عروسک ساخته و آماده می‌شوند گفت و گو کرد.

حمید شاه‌آبادی از ورودی تالار قشقایی که بعد از ۵ سال بازگشایی شده، دیدن کرد.

در این بازدید حسین پارسایی مدیر اداره کل هنرهای نمایشی، اردشیر صالح‌پور، دبیر جشنواره و مجید امرایی مدیر روابط عمومی معاونت هنری، شاه‌آبادی را همراهی کردند.

عروسک‌های نخی این نمایش مطرح کردند که غریب‌پور به این پرسش‌ها پاسخ داد. آن‌ها همچنین عنوان کردند به محض تأمین بودجه لازم، گروه اجرایی این اثر را برای اجرا در کانادا و هند دعوت خواهند کرد.

این دو نفر جمعه شب، اول مردادماه به همراه تعداد دیگری از میهمانان خارجی جشنواره به تماشای اپرای عروسکی «مولوی» نشستند. پودامجی و ترودو بعد از اجرای این نمایش با حضور در پشت صحنه پرسش‌هایی را درباره

مسئولان یونیمابه تماشای اپرای عروسکی «مولوی» نشستند

اپرای عروسکی «مولوی» با طراحی و کارگردانی بهروز غریب‌پور میزبان ددی پودامجی، رئیس و ژاک ترودو، دبیر یونیمای جهانی بود.

مبارک‌مجری مراسم اختتامیه

عظیم موسوی کارگردان برنامه اختتامیه در نظر دارد برنامه‌ای متفاوت برگزار کند. می‌گوید: «بنا بر اجرای برنامه اختتامیه، عروسک‌ها هستند. در کنار این با اجرای موسیقی زنده همراه با حرکات عروسک‌هایی که لباس‌های محلی اقوام ایرانی را پوشیده‌اند، فرهنگ ملی و بومی خود را مورد توجه قرار می‌دهیم.» او برای اجرای مراسم اختتامیه، عروسک مبارک را به‌عنوان مجری برنامه در نظر گرفته است و مرشد پای خیمه هم او را همراهی می‌کند. اهدای جوایز، گزارش دبیر جشنواره و سخنرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از دیگر بخش‌های این برنامه است. موسوی کل برنامه را به‌صورت یک نمایشنامه طراحی کرده است، نمایشنامه‌ای که توسط مبارک اجرا می‌شود. کل مراسم در فضای باز فرهنگسرای نیاوران برگزار می‌شود و آن‌طور که کارگردان برنامه پیش‌بینی می‌کند مدت زمان برنامه بین ۹۰ تا ۱۲۰ دقیقه خواهد بود.

نقد و مقاله: رضا آشفته، انور سبزی، علیرضا شهاب‌داعی، رحیم عبدالرحیم‌زاد
محمد مطلق مهدی نصیری
ویراستار: جواد قاسمی
انگلیسی: سمیه قاضی‌زاده
حروف نگار: ابراهیم نجفی
اجرای صفحات: حمید پریشن
مدیر فنی و ناظر چاپ: محمد حسین دوست محمدی

تصویر سازی‌های نقوش: استاد علی نامور

مدیر اجرایی: حمید هنری
دبیر عکس: رضا موسوی
گروه عکس: ساغر برکات، مهدی حسینی، سارا اساسانی، ناصر عرفانیان، مانی لطفی، زاده آزاد، نوزادشکوفه، هاشمیان
خبر و گزارش: ندا آل طیب، مهرداد ابوالقاسمی، مریم جعفری
حصار لومر، مریم رضا زاده، فرزین ریحانی، زهرا شایان، فرنی، کومهدیه

نشر به روزانه سیزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر
عروسکی تهران- مبارک
زیر نظر روابط عمومی مرکز هنرهای نمایشی
مدیر مسئول: اردشیر صالح‌پور
سر دبیر: رامتین شهبازی
مدیر هنری و طراح گرافیک: حسین نوروزی

غرفه‌های عروسکی همچنان پررونق؛ کاغذ، عروسک، نمایش

محوطه باز تئاتر شهر مثل همیشه شلوغ‌ترین بخش جشنواره است. هوا که کمی خنک می‌شود، خانواده‌ها با کودکانشان تمام فضای بیرون تئاتر شهر را گرم می‌کنند. سکوهایی چند روز قبل از آغاز جشنواره در محوطه باز تئاتر شهر نصب شدند و این روزها که بازار جشنواره عروسکی گرم است، بخشی از این سکوها به کانون پرورش فکری کودکان و بخش دیگر به آموزشگاه هنرهای تجسمی و سرزمین باران اختصاص دارد.

کودکان در سکوی اول با کمک هنرمندان، عروسک‌های کاغذی مبارک را می‌سازند. کمی آن‌طرف‌تر عده‌ای مجسمه‌های گلی می‌سازند که در سکوی کناری تبدیل به عروسک‌های دستکشی می‌شوند.

آموزش عروسک‌گردانی با حضور کودکان هم بخش جذابی است که با استقبال کودکان همراه شده است. کمی جلوتر که می‌رویم بچه‌ها نقاشی می‌کشند و درست کنارشان شهر فرنگی تبلیغ می‌کند. غرفه «کاغذ، عروسک، نمایش» هم با همکاری آموزشگاه هنرهای تجسمی سرزمین باران با کاغذهای رنگی ساخت اشکال مختلفی مثل پروانه، گل، قورباغه و... را به کودکان آموزش می‌دهد.

استقبال از «کنسرت حشرات»

نمایش میدانی «کنسرت حشرات» به کارگردانی مریم سعادت که هر شب از ساعت ۲۱:۳۰ در محوطه تئاتر شهر اجرا می‌شود با استقبال بی‌نظیر تماشاگران روبه‌رو شد. این نمایش که فضای شاد و مفرحی را برای تماشاگران ایجاد می‌کند با استقبال بسیار تماشاگران خردسال و بزرگسال مواجه شده به طوری که تا شام چند متر مردم برای تماشای آن دور این نمایش حلقه زده بودند و با آن همراهی می‌کردند. این نمایش یکی از پرفروش‌ترین نمایش‌های خیابانی جشنواره عروسکی است.

تصحیح

در مصاحبه حسن جودکی، مدیر گیشه تئاتر شهر، که در شماره چهارم چاپ شد، قیمت بلیت جشنواره هزار تومان ذکر شده بود که مبلغ درست آن پنج هزار تومان است.

فروختن کارت کلاژ برای کمک به خیریه سوئیس

گروه سوئیس که برای اجرای نمایش «مومنتانز» به جشنواره آمده‌اند در کنار اجرای نمایششان در تالار اصلی تئاتر شهر، تعدادی کارت کلاژ را برای فروش به نمایش گذاشته‌اند. عواید فروش این کارها که کار دستی اعضای همین گروه است صرف امور خیریه می‌شود. این گروه همچنین دی‌وی‌دی بهترین اجرایشان را همراه با کاتالوگ نمایش‌شان به تماشاگران می‌فروختند.

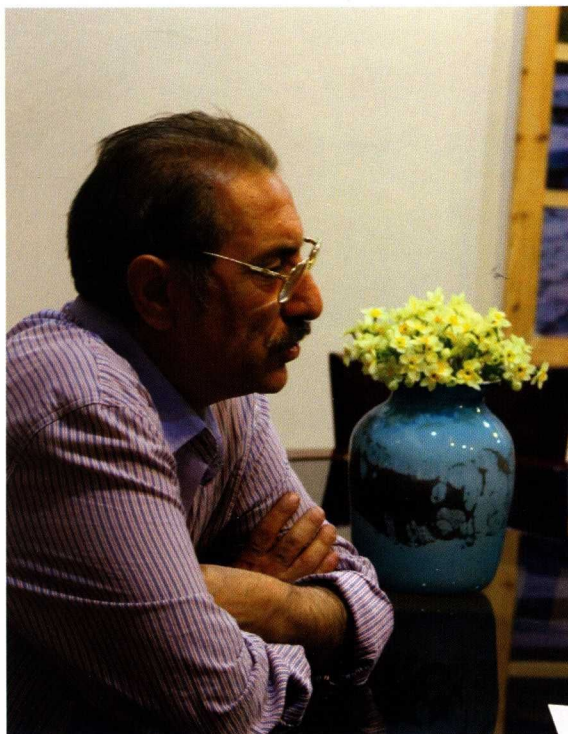
دکتر ناظرزاده کرمانی: جشنواره فرصتی برای آشنایی با فرهنگ‌های دیگر است

«امشب نمایش‌های جشنواره را تماشا کردم. حس می‌کنم این نمایش‌ها وابستگی خوبی با ادبیات بومی ما دارند.» دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی، پژوهشگر و استاد دانشگاه، شب گذشته میهمان جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران مبارک بود. او در گفت‌وگو با خبرنگار نشریه روزانه سیزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران گفت: «با دیدن این نمایش‌ها یاد شعر خیام می‌افتم که می‌گوید ما لعبتکانیم و فلک لعنتب باز. فرهنگ نمایش عروسکی ایران، فرهنگی بسیار غنی است.»

او ادامه داد: «فرهنگ عروسکی در ایران به تناسب جغرافیا بسیار گسترده است. می‌توان آن‌ها را به‌طور جداگانه بررسی کرد و مورد مطالعه قرار داد.» دکتر ناظرزاده کرمانی افزود: «بررسی تطبیقی این شکل نمایش‌ها می‌تواند بسیار برای پژوهشگران ایرانی کارگشا باشد.»

این استاد دانشگاه و پژوهشگر در پایان به کیفیت خوب این دوره از جشنواره اشاره کرد: «در این جشنواره علاقه‌مندان می‌توانند جایگاه تئاتر عروسکی را در دنیا بشناسند و امکانات کشور خود را با آن‌ها مقایسه کنند.»

او همچنین از نمایش مومنتانز کشور سوئیس دیدن کرد و این اثر را اثری خلاق، مبتکرانه و ارزشمند خواند و اشاره داشت که جوهره نمایش عروسکی با استفاده از ساده‌ترین ابزار منجر به خلق زیباترین اشکال شده است.





نمایشگاه عروسک و مسک آغاز شد

نمایشگاه عروسک با حضور و سخنان معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس فرهنگستان هنر، دبیر جشنواره و رئیس یونیمای جهانی کار خود را آغاز کرد.

در این برنامه که صبح روز شنبه دوم مرداد در فرهنگستان هنر برگزار شد، علی معلم دامغانی، رئیس فرهنگستان هنر در سخنانی یادآور شد: «آنچه اسباب سخن اهل نمایش است یا شخصیت‌هایی است که از انسان‌ها بر صحنه می‌آیند یا عروسک‌ها و ماسک‌هایی که ساخته‌اند. مسلم است که انسان خالق عروسک‌هاست.» او با تأکید بر ضرورت توجه به مقدسات ادامه داد: «باید مقدسات و ارزش‌های یک مملکت آن چنان که هستند، باقی‌مانند.»

رئیس فرهنگستان هنر با ارائه توضیحاتی درباره «سیاه» در نمایش‌های ایرانی گفت: «این سیاه عمر چندانی طولانی ندارد، بلکه به دوره قاجاریه یا نهایتاً اواخر صفویه تعلق دارد. او از جنس همان کسانی است که حاجیان برای خدمات می‌آوردند. این سیاهان به بدگو بودن به این‌که از جنس آدمی نیستند در بین همه ملت‌ها و خصوصاً غربی‌ها و مردم آمریکا شهرت دارند. ماسیاه را به عنوان کاراکتری انتقام‌جوی شناسیم که نسبت به مردم کوچک و بازار خاضع و خائض است.» در پایان این برنامه حاضران از عروسک‌های این نمایشگاه بازدید کردند. در این نمایشگاه ۷۰۰ عروسک گوناگون شامل عروسک‌های محلی، خیمه‌شب‌بازی دوره قاجار، بومی، فانتزی و تخیلی، ماسک و... در معرض تماشای بازدیدکنندگان قرار می‌گیرد.

در ادامه حمید شاه‌آبادی معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سخنانی با تقدیر از برگزار کنندگان جشنواره گفت:

«نگاه ما به جشنواره عروسکی نباید این باشد که عروسک فقط ویژه کودکان است بلکه کودک، یکی از بهربرداران عروسک است در حالی که کودک درون ما بزرگسالان همیشه نیازمند نهب است و جشنواره عروسکی فرصتی است برای این نهب.» او همچنین با تأکید بر ضرورت توجه به فرهنگ ملی افزود: «مجموعه نمایش عروسکی نمادی جدی برای حفظ هویت ملی ماست. اگر به دنبال رابطه بیشتر مخاطبان با تئاتر هستیم توجه به این آیین و سنت ملی ضروری است.»

شاه‌آبادی سپس با تأکید بر ضرورت اجرای عمومی آثار جشنواره تئاتر عروسکی ادامه داد: «اجرای عمومی نمایش‌های عروسکی بیش از گذشته و بیش از آنچه تا کنون مورد توجه بوده، نیاز است. در غیر این صورت جشنواره تئاتر عروسکی در حد یک دورهمی خواهد بود.»

همچنین ددی پودامچی، رئیس هنری یونیمای جهان توضیحاتی درباره رابطه مبارک یونیمایا با یونیمای جهان ارائه کرد و افزود: «رابطه یونیمای ایران با یونیمای جهانی به خیلی سال قبل برمی‌گردد. هنرمندانی مانند بهروز غرب‌پور، اردشیر کشاورزی و... زمینه‌های آغاز کار یونیمایا در ایران فراهم کردند. یونیمای ایران یکی از بزرگترین مراکز است که بیشترین اعضا را دارد.» او معتقد است: «تئاتر عروسکی تنها به یک فرد یا ملت اختصاص ندارد بلکه به تمام انسانیت تعلق دارد. نسل‌های مختلف نمایشگران عروسکی با سفر به نقاط گوناگون دنیا تبادلات بسیاری بین غرب و شرق انجام داده‌اند.» این هنرمند تئاتر عروسکی برگزاری این نمایشگاه را فرصتی مغتنم شمرد و یادآور شد: «این آثار به جایی زدایمی نیاز دارند. با این‌که معتقدم عروسک‌ها نباید پشت شیشه قرار بگیرند بلکه باید زنده باشند و نمایش بدهند اما با گذشت زمان این ارزش‌ها در معرض خطر قرار می‌گیرند و این مجموعه‌ها هستند که عروسک‌های ارزشمند ما را نگه می‌دارند.» در این برنامه اردشیر صالح‌پور، دبیر جشنواره با اشاره به این‌که مضمون جشنواره امسال به هویت و فرهنگ ایرانی اختصاص دارد افزود: «عروسک‌ها بخشی از میراث فرهنگی ما هستند که می‌توانند هویت ما را با همان زبان کودکان بیان کنند.»

او تأکید کرد: «نماد عروسک ایرانی تنها «مبارک» نیست بلکه مبارک یکی از عروسک‌های ملی ماست که در کنار عروسک‌های دیگری مانند بازیازک، جی‌جی‌وی‌جی، تکم و... مجموعه‌ای از عروسک‌های ملی ما را در بر می‌گیرند.»

صالح‌پور اظهار امیدواری کرد برپایی این نمایشگاه زمینه‌ای برای تأسیس موزه عروسک‌های ایرانی باشد و افزود: «۱۲ دوره است که جشنواره را برگزار می‌کنیم. اگر در هر دوره فقط عروسک ساخته شده باشد امروز باید ۱۲ هزار عروسک می‌داشتیم اما عروسک‌های ما به دلیل نبود مکانی ویژه می‌پوسند و از بین می‌روند.»

برگزاری این نمایشگاه حتی بعد از جشنواره هم ادامه دارد و علاقه‌مندان می‌توانند تا نیمه مرداد ماه از ساعت ۱۰ صبح تا ۷ عصر برای تماشای این عروسک‌ها به فرهنگستان هنر مراجعه کنند.

آئین‌های سنتی در یک جغرافیا

گروه‌های اجرایی را که از نقاط مختلف ایران به فضای باز تئاتر شهر آمده‌اند همراهی می‌کنند. تماشاگران مهدی حبیبی نمایش آئینی «کاسه‌گردون» را براساس یکی از آئین‌های فراموش شده روستاهای اطراف ملایر کار کرده است که در آن عده‌ای از مردان آبادی در روزهای پایانی پائیز با هم جمع می‌شوند و در روستاهای اطراف می‌چرخند تا تنقالت شب یلدا را جمع کنند. بعد از آن هم البته حبیبی در اجرای این نمایش به جای آن‌که به تک‌تک خانه‌ها سر بزند، سفره‌ای را وسط میدان پهن می‌کند تا داستان خود را روایت کند. او معتقد است، جای تأسف دارد که این آئین‌های کهن در حال فراموشی است و حتی امروز در همان روستاهای ملایر هم اجرای این آئین‌ها به همین دلیل هم با تصمیم گرفتیم با اجرای این نمایش، کاری کوچک برای احیای این آئین انجام دهیم. او که اولین تجربه نمایش عروسکی خود را قرار داد، همزمان با جشنواره تئاتر عروسکی به نمایش بگذارد می‌گوید، عروسک‌های جدابیت بیشتر نمایش از موسیقی محلی ملایر هم استفاده کرده‌ام.

بهنواز مهدی خواه این بار هم با مبارک سنتی قرار است به میدان تئاتر عروسکی بیاید. او این بار براساس یکی از داستان‌های قدیمی و با برداشتی آزاد، شخصیت مبارک را در کنار شخصیت‌های دیگر همچون عبدالقصی، پهلوان رستم، رعناپاشی و... به خیمه می‌آورد و قصد دارد این بار تماشاگرش تنها به دنبال سرگرمی نباشد، بلکه مخاطبان خیمه او این بار باید تمام داستان و جزئیات آن را دنبال کنند. او می‌گوید، اجرای معمول خیمه شب‌بازی در ارتباط مخاطب با مبارک و بذله‌گویی‌های او تعریف شده است. در حالی که این بار نمایش را داستان محور کردم تا تماشاگر کل داستان را در روایت شخصیت‌های آن به صورت کامل دنبال کند. این نمایش دیگر برای تفنن و سرگرمی صرف نیست و از این جهت تجربه سختی برایم بود، زیرا مجبور بودم همزمان با داستان محوری، بار طنز نمایش را هم حفظ کنم تا تماشاگر خسته نشود. قصد داشتیم در این مرحله خودم را محک بزنم و امیدوارم این تجربه جدید، تعامل خوبی برای ما و تماشاگر باشد. کارگردان در هر مرحله باید اجازه آزمون و خطا داشته باشد و من هم برای ما و تماشاگر باشد.

«چمچه‌خاتون» یکی از نمایش‌های اصیل و آئینی منطقه آذربایجان است که همان آئین «شمنیسم» را روایت می‌کند و به گفته سیروس مصطفی از ریشه کهن آئین «شمنیسم» که ریشه در آئین‌های منطقه جنوب سبیری و آسیای میانه دارد، بهره گرفته است. این کارگردان تئاتر معتقد است، اگر آئین‌های بدوی را تقسیم کنیم، یکی از اولین آئین‌ها «آمینیزم» است که همان طبیعت پرستی انسان نام دارد و آب و آتش، جنگل، درخت، ابر، کوه و... را مورد ستایش قرار می‌دهد. «شمنیسم» هم یک برهه بعد از آن به وجود می‌آید و در آن شخصیتی همچون «شمن» یا «شامان» مثل یک امپراتور عمل می‌کند تا نیازهای آنان را پاسخ دهد. مصطفی در عین حال معتقد است، داستان‌های فولکلور همواره در گذر زمان دچار فرسایش می‌شوند ولی در نهایت محتوای



بهزاد غریب پور طراح پوستر جشنواره: «مبارک»

میزبان عروسک‌های دیگر می‌شود

عروسک و با رنگ‌آمیزی متنوع هر دو فضا را نشان دهد، اما در نهایت هر مخاطب می‌تواند برداشت شخصی خود را از پوستر داشته باشد.

غریب پور، این پوستر را از میان پنج اتود انتخاب کرده است و در باره آن می‌گوید: «یکی از اتودهایی که زده بود به دلیل فضای تیره و بزرگسالانه رد شد و در نهایت شورای سیاستگذاری این طرح را پذیرفت، زیرا دنیا را عروسکی ایجاب می‌کند تا از فضای واقعی به دنبال غیر واقعی سوق پیدا کنیم. این پوستر صرفاً عروسکی است و تکنیک آن چنین فضایی را برای طراحی ایجاب کرده است. این طرح می‌تواند در عین حال که ما را به فضایی شاد و کودکانه می‌برد، یادآور تئاتر برای بزرگسالان هم باشد.»

او در عین حال معتقد است تمام بزرگسالان روزگاری کودک بوده‌اند، پس اگر پوستری صرفاً کودکانه هم باشد خیلی بد نیست، زیرا به روزگار سپری شده ما اشاره می‌کند.

این طرح پوستر تأکید به پرهیز از هرگونه خط کشی برای ارتباط با پوستر دارد و می‌گوید بهتر است در برخورد با پوستر از هرگونه خط کشی پرهیز کنیم، چون عروسک می‌تواند بزرگسال هم باشد. از سوی دیگر کلیت یک اثر است که اهمیت دارد.

در فاصله‌ای بالاتر نمایی از عروسک‌های جهان دیده می‌شود که قرار است میهمان جشنواره باشند. به نوعی «مبارک» در این پوستر میزبان عروسک‌هایی از دیگر کشورهاست. این هنرمند گرافیک ادامه می‌دهد ما از طریق یک شیوه تئاتر سنتی به طراحی این پوستر می‌رسیم تا مخاطبان بین‌المللی را دعوت به جشنواره کنیم و این اتفاق به نوعی می‌تواند هم سو با شعار جشنواره که «هویت ملی، فرهنگ جهانی» است باشد.

غریب پور همچنین درباره ذهنیت برخی از مخاطبان در باره کودکانه بودن این پوستر، توضیح داد: «به زعم بنده این پوستر کودکانه نیست، زیرا عروسک‌ها می‌توانند هم‌زمان تصویری کودکانه و هم بزرگسالانه داشته باشند. من در این طراحی با استفاده از آبرنگ عروسک‌هایی را بالای سر «مبارک» طراحی کرده‌ام تا چیزی میان واقعیت و غیر واقعیت را به نمایش بگذارم و قطعاً در این شرایط می‌توانستم از هر شیوه دیگری هم استفاده کنم تا گوناگونی جشنواره عروسکی را بر اساس عروسک‌های متنوع و گروه‌های سنی متفاوت نمایان کنم.»

او در عین حال تأکید می‌کند که جشنواره تئاتر عروسکی هم با مخاطب کودک و هم بزرگسال سروکار دارد و این پوستر تلاش داشت تا از زبان

بهزاد غریب پور معتقد است: قرار نیست تمام مخاطبان جشنواره و تئاتر از پوستری راضی باشند، پس اگر آن‌ها با پوستر ارتباط برقرار نکرده‌اند خیلی هم به معنای جنبه منفی کار نیست، چون یک پوستر در نهایت قرار است کلیت جشنواره و نشاط آن را منتقل کند.

او می‌گوید: «اگر قرار باشد پوستر، تمام جزئیات یک رخداد را نمایش دهد و بیان کند، دیگر پوستر نیست، بلکه باید در قالب یک مجموعه تصویرگری به حساب بیاید، اما اگر پوستر قدمی در جهت جذب مخاطب بردارد، آن وقت موفق خواهد بود و قطعاً در این پروسه، یک پوستر تمام مخاطبان را راضی نخواهد کرد.» او که تاکنون طراحی پوستر جشنواره‌های مختلف هنری را برعهده داشته است، اضافه کرد: حضور «مبارک» به عنوان سمبل تئاتر عروسکی و آئینی کشورمان در این پوستر نقش اساسی را دارد، اما در همین مرحله هم چگونگی نمایش «مبارک» برایم اهمیت داشت.»

غریب پور که به زعم خودش در این پوستر، مبارک را در مقام حجله‌گردان و میزبان جشنواره معرفی کرده است می‌گوید، مبارک در این طراحی جایگزین شخصیت حجله‌گردان در نمایش خیمه‌شب‌بازی شده است. او حجله بر سرش می‌گذارد و درست

The 13th Tehran International Puppet Theater Festival / Mobarak 22-27 July 2010



The 13th Tehran International Puppet Theater Festival / Mobarak 22-27 July 2010



The 13th Tehran International Puppet Theater Festival / Mobarak 22-27 July 2010



تئاتر عروسکی
دانشجویی
در جشنواره
مبارک

روز و شب کله‌های نیکو و ریشه دار

مریم جعفری حصارلو



تئاتر دانشگاهی تریبون مناسبی است برای نسل جوان تا دیدگاه‌ها و درک خود را از جهان پیرامون خود به تصویر بکشد. برخی از آثار دانشجویی که در بخش دانشجویی جشنواره شرکت دارند با تکیه بر قصه‌های قدیمی و یا مسائل روز و تأثیر رسانه‌های جمعی شکل گرفته‌اند.

از جمله نمایش «ماه پیشونی چنین بود» به کارگردانی و نویسندگی «سیرین خنجری» که اقتباسی از قصه قدیمی و کهن «ماه پیشونی» است و «جعبه خالی» نمایشی به نویسندگی و کارگردانی فاطمه سلجوقی که به نقد یکی از فرآیندترین رسانه‌های جمعی یعنی تلویزیون می‌پردازد.

ماجرای «ماه پیشونی چنین بود» قصه‌ای است که از زبان قصه‌گو گفته و تمام شده و عروسک‌ها از قصه‌گو می‌خواهند که یک‌بار دیگر قصه را تعریف کند و پایان خوش‌تری را برای آن در نظر بگیرد. قصه‌گو مخالفت می‌کند و آن‌ها اصرار می‌کنند اما قصه‌گو نمی‌پذیرد و می‌گوید که قصه همچون آیینی است که خوب و بد را نشان می‌دهد و واقعیت را نشان می‌دهد و این تعبیرهای ماست که مفهوم خوب و بد را می‌سازد و سپس در تأیید آن قصه‌گو می‌گوید: زیرگنبد کبود/ قصه‌گو قصه می‌گفت / با آخر خوش. آخر تاخ / ماه پیشونی چنین بود.

قصه ما بخوای نخوای همین بود

این نمایش قصد دارد در مورد درگیری‌های ذهنی و ارزش‌های متداول جامعه که در فرهنگمان جا افتاده صحبت کند. عروسک‌های این نمایش ۶۰ سانتی متری هستند و صورتشان نقش ندارد و از یک کله تویی به رنگ پوست تشکیل می‌شوند و تماشاگر ممکن است از ابتدا نسبت به بی‌نقش بودن صورت عروسک توجه نداشته باشد. اما در پایان «بی‌نقشی» صورت عروسک‌ها معنا و مفهوم خاصی پیدا می‌کند. عروسک‌ها از نوع عروسک‌های میله‌ای هستند و از تکنیک سیاه پیروی می‌کنند. دکور از سه میز که باز و بسته می‌شود و بخشی از کف صحنه در میان سه میز و «پرده سایه» تشکیل می‌شود. «پرده سایه» پرده سفیدی که نشانگر آسمان است ماه و خورشید را نشان می‌دهد. این نمایش موزیکال است و دیالوگ‌های شعرگونه دارد و گاهی عروسک‌گردان‌ها آواز می‌خوانند. اما یکی از ویژگی‌های کار آن است که موسیقی، افکت، صداها و... همه به صورت زنده توسط موزیسین اجرا می‌شود. این نمایش برای بزرگسالان طراحی شده است اما به دلیل آن‌که قصه به صورت شعر مطرح می‌شود و موزیکال است شاید بتوان گفت که کودکان نیز از روایت آن لذت خواهند برد و به نوعی مخاطب این نمایش خانواده است.

نمایش دیگری که قصد نقد و بررسی مسئله‌ای را دارد «جعبه خالی» است. این نمایش پایان‌نامه کارشناسی فاطمه سلجوقی است. او در پایان‌نامه عملی خود تأثیر تلویزیون

بر اجتماع پذیرایی کودکان را مورد انتقاد قرار داده است.

سلجوقی معتقد است برنامه‌های کودک در حد هوش و خلاقیت کودکان نیست و کودک زیر ۶ سال پر انرژی و خلاق‌تر است و زمانی که با تلویزیون آشنا می‌شود و مجبور می‌شود که مخاطب آن باشد از خلاقیت او کاسته شده و تأثیرات منفی‌ای را نیز از این وسیله دریافت می‌کند.

این نمایش در دو بخش به نقد برنامه‌های کودک می‌پردازد. بخش اول تأثیرات منفی برنامه‌های کودک و بخش دوم برنامه‌هایی که مربوط به کودک نیست و کودک آن‌ها را به‌جبار تماشا می‌کند از جمله تراژدی‌های خانوادگی و... داستان نمایش «جعبه خالی» در مورد کودکی است به نام «نیکو» که یک دوست خیالی به نام «کوچلسو» دارد. نیکو در تخیلش با دوست خیالی‌اش بازی می‌کند و طی جریاناتی نیکو در مقابل تلویزیون قرار می‌گیرد و از زمانی که مخاطب برنامه‌های کودک می‌شود با تکنیکی که به شکل نمادین دوست خیالی نیکوست به او نزدیک می‌گردد.

«سلجوقی» عروسک‌های اسفنجی را برای اجرای این نمایش طراحی و ساخته است که با باتوم حرکت می‌کنند. این عروسک‌ها حدود ۷۰ سانتی متر هستند و از تکنیک عروسک‌گردانی سیاه استفاده می‌کنند. در این نمایش نقش پدر و مادر نیکو را بازیگران زنده و نقش نیکو را عروسک اسفنجی ایفا می‌کند. همچنین در بخش‌هایی که نیکو مشغول تماشا می‌شود تلویزیون است از تکنیک ماوراء بنفش استفاده می‌شود. این نمایش برای گروه سنی بزرگسال و فضای آن ابزورد است. یکی از ویژگی‌های نمایش استفاده از نقاشی‌های کودکان است که توسط «سپیده کشفی» و با استفاده از نقاشی‌های کودکان کشیده شده و در جای جای نمایش به صورت پرده‌هایی

تصویر می‌شود. این نقاشی‌ها نمادی از نقاشی‌های کودکان نیکوست که تأثیرات تلویزیون را در زندگی نشان می‌دهد. بنابراین نمایش دارای عنصر فانتزی است و آکسسوار نمایش دوبعدی و متحرک است و همچنین درها به صورت افقی طراحی شده‌اند که دوبار که گشوده می‌شوند به حالت عمودی می‌ایستند و مجدداً به صورت افقی روی زمین قرار می‌گیرند. موسیقی براساس سازهای کودکان از جمله «بلز»، سازدهنی و... انتخاب شده و رویاهای کودکان را به مخاطب نشان می‌دهد.

با توجه به مطالب یاد شده، این دو اثر قصد تغییر نگرش مخاطب را نسبت به مسائلی دارند. اما با این تفاوت که در نمایش «ماه پیشونی چنین بود» کارگردان قصد نقد و بررسی باورهای کهن و ریشه‌دار را دارد و نمایش «جعبه خالی» به نقد رسانه‌های جمعی و مسائل روز جامعه می‌پردازد.



آشنایی کودگان با داستان های مذهبی

زارعیان اهداف برگزاری این بخش را مطرح کردن مفاهیم پر اهمیت دینی می‌داند و معتقد است: «کودکان ما تا چه میزان باید قصه شنگول و منگول را ببینند؟ جا دارد آن‌ها را با مفاهیم دینی و زندگی پیامبران آشنا کرد. او شیوه روایتی خود را تلفیقی از عروسکی، سایه، نقالی و... معرفی کرد و گفت: «ما فرازهایی از زندگی پیامبران را مطرح می‌کنیم و قصد داریم جمله «اگر با خدا باشید، بسیاری از کارها به خودی خود درست می‌شود» را مطرح کنیم. ضمن آن‌که «قصص قرآنی» رابه نمایش عروسکی اضافه می‌کنیم.»

یکی دیگر از کارگردانان بخش قرآنی «حسن علی کرمی» است. او از سال ۶۵ وارد دنیای تئاتر شده و تاکنون در این زمینه فعالیت دارد. او فوق‌لیسانس تئاتر دارد و حدود دوازده برنامه تلویزیونی و عروسکی را در داخل ایران و خارج از کشور اجرا کرده است. او در مورد نمایش حضرت صالح می‌گوید: «سبک کار تلفیقی است از نمایش سایه، عروسکی و باتومی که همراه با بازی زنده نقال در صحنه. به این شکل که نقال در صحنه به صورت پلی‌بک ایفای نقش دارد و شاید بتوان گفت این برای اولین بار است که تکنیک سایه عروسکی، پلی‌بک و نقالی ترکیب شده است که این رونق را از شکل تولید برنامه‌های تلویزیونی برداشت کردیم.» علی کرمی خود در نقش نقال در برخی از نمایش‌های قصص قرآنی، به ایفای نقش می‌پردازد و مرجع قصص قرآنی را کتب حوزه علمیه و کتاب‌های آیت‌الله جوادی آملی معرفی می‌کرد.

قرآن و قصص قرآنی یکی از بهترین منابعی است که می‌توان در تولید بسیاری از آثار نمایشی به‌خصوص در تئاتر عروسکی از آن الهام گرفت. جشنواره تئاتر عروسکی امسال بخش قصص قرآنی را به مجموعه بخش‌های جشنواره افزوده است. این بخش با چهار نمایش، روایت یک و یا چند تن از پیامبران اولی‌العظم را نشان می‌دهد. علی زارعیان سرپرست هر چهار نمایش این بخش است. او در مورد روند شکل‌گیری نمایش‌ها می‌گوید: «جشنواره عروسکی، امسال به ما پیشنهاد کرد قصه‌های قرآنی را که به معرفی پیامبران می‌پردازد، در لابی تئاتر شهر اجرا کنیم و ما می‌دانستیم که بهروز غریب‌پور پیش از این بسیاری از قصه‌های قرآنی را به صورت عروسکی اجرا کرده است. بنابراین قرار شد قصه‌های قرآنی را در آیت‌های ده دقیقه‌ای در جشنواره اجرا کنیم که پس از مدتی جشنواره زمان قصه‌ها را به ۳۵ الی ۴۰ دقیقه تغییر داد و اساساً بخشی به نام «قصص قرآنی» را به جشنواره افزود و شکل اجرای نمایش نیز به صورت صحنه‌ای در تالارها تغییر کرد. ما در واقع یک گروه هستیم و همه بخش قصص توسط گروه‌ها اجرا می‌شود البته با کارگردانان متفاوت. در این چهار نمایش هر یک از مایکی از قصه‌های قرآنی یک یا چند پیامبر را معرفی می‌کند، یکی از قصه‌ها به معرفی حضرت ذکریا، یحیی و عیسی می‌پردازد. دیگری قصه‌ی حضرت‌صالح و موسی را نقل می‌کند که به دلیل شباهت معجزاتشان با هم نقل می‌شوند. قصه دیگری نقل روایت حضرت یونس و حضرت ابراهیم و یکی از قصه‌ها به نقل روایت حضرت مهدی (عج) می‌پردازد. در ابتدا به شک بودیم که آیا می‌توان قصه حضرت مهدی (عج) را به صورت عروسکی نشان داد یا نه.»

مانند «آلیس در سرزمین عجایب»

فریبا دلیری، کارگردان «آوای تار»



فریبا دلیری سال‌هاست که وفاداری خود را به آثار کودکان نشان داده‌است. او در جشنواره تئاتر عروسکی هم نمایش «آوای تار» نوشته فریبا رئیسی را در بخش کودک و عروسک اجرا می‌کند. این نمایش برداشتی آزاد از «جیرجیرک آشتی جو» نوشته ناصح کامکاری است.

گویا داستان نمایش شما برداشتی از داستان مورچه و ملخک است.

بله، البته این بار ملخ ما شهری است که با تارش به شهر آمده و تلاش می‌کند با تار زدن جایی در اجتماع برای خودش پیدا کند. او همه حشراتی را که دچار بی‌آبی شده‌اند با هم متحد می‌کند تا جلوی ریختن آشغال در رودخانه را بگیرند و مشکل بی‌آبی را حل کنند.

لطفاً درباره شیوه اجرایی تان هم بگویید.

نمایش را با تلفیق تئاتر زنده و عروسکی اجرا می‌کنیم. اجرای ما با تئاتر زنده شروع می‌شود و مانند «آلیس در سرزمین عجایب» وقتی وارد فضای تخیلی می‌شویم، ملخ ما کوچک و وارد دشت می‌شود. که در این جا از تکنیک تاپ تیبل استفاده می‌کنیم.

گویا پس از گذشت چند سال همچنان به کار کودک وفادارید.

سال‌هاست برای کودکان کار می‌کنم. دوره پیش‌کاری را برای تماشاگر نوجوان و بزرگسال اجرا کردم اما امسال می‌خواستم حتماً کار کودک انجام بدهم. در دوره دانشجویی علاقه‌مند بودم دست به جسارت بزنم و برای بزرگسالان کار کنم اما هر کس بعد از مدتی جای خود را پیدا می‌کند. خود کار راه را به آدم نشان می‌دهد. علاوه بر این سال‌هاست نمایش‌هایی را به زبان انگلیسی برای کودکان اجرا می‌کنم.

لطفاً در باره این تجربه هم کمی توضیح بدهید.

حدود سیزده چهارده سال است که با مهد کودک‌های دو زبانه همکاری می‌کنم. شرکت آرمان کودک که یکی از کارهایشان آموزش انگلیسی در کنار آموزش سفال و نقاشی و... است مرا به همکاری دعوت کردند. در آغاز با دو تا عروسک دست‌کشی نمایش ۲۰ دقیقه‌ای اجرا کردیم. بعدها کار به جایی رسید که دیگر برای بچه‌ها قصه‌هایی را اجرا می‌کنیم که برایشان آشناست.

بچه‌ها با کار هم‌ذات‌پنداری می‌کنند چون با داستان را شنیده‌اند یا کارتونش را دیده‌اند. آن‌ها هم در نمایش مشارکت می‌کنند و به پرسش‌هایی که مطرح می‌شود، پاسخ می‌دهند. با این شیوه واژگان انگلیسی بهتر در ذهن بچه‌ها می‌ماند.

محسن رنجبر کارگردان نمایش عروسکی «فرجام فر»

اسطوره‌های شاهنامه از کیومرث تا ضحاک

نمایش عروسکی «فرجام فر» برداشت آزاد محسن رنجبر از بخش اساطیری شاهنامه فردوسی است.

«فرجام فر» کدام بخش از شاهنامه فردوسی را روایت می‌کند؟

این نمایش مربوط به بخش اساطیری شاهنامه است که از پادشاهی کیومرث آغاز می‌شود و تا روی کار آمدن ضحاک ادامه دارد.

چرا از شاهنامه و به‌ویژه این داستان استفاده کردید؟

اولویت این دوره از جشنواره بر استفاده از متون ایرانی که با فرهنگ ایران نیز هم‌سوست، بود. از سوی دیگر به دلیل علاقه‌ای که اسطوره‌های ایرانی داشتیم و فکر می‌کردم کارهای زیادی در این حوزه انجام شده‌است، ترجیح دادم این بخش را انتخاب کنم. تاکنون خیلی‌ها از داستان‌های حماسی شاهنامه استفاده کرده‌اند، اما بخش اسطوره‌ای آن خیلی مورد توجه نبوده‌است و اطلاعات ما هم در این حوزه محدودتر است.

اما تاکنون خیلی‌ها چه در حوزه اجرای

صحنه‌ای و چه عروسکی داستان ضحاک را کار کرده‌اند.

درست است. اما این نمایش با روی کار آمدن ضحاک تمام می‌شود و بیشترین تأکید بر روی حکومت‌های قبل از ضحاک است.

در نگارش متن چه تغییراتی لحاظ شده‌است؟ آیا همان اشعار مورد توجه شما بوده یا تلاش کرده‌اید زبان امروزی برای نمایش در نظر بگیرید؟

سعی کردیم از نظر کلامی همان اشعار شاهنامه را با یک دراماتورژی دوباره استفاده کنیم و امیدواریم که در اجرا این حالت روایی و آهنگین ارتباط خوبی با مخاطب برقرار کند. البته این ابیات طبق روال و مسیر شاهنامه انتخاب شده‌است و با روایت آفرینش زمین و انسان آغاز می‌شود.

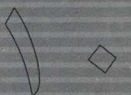
با توجه به آهنگین بودن نمایش و استفاده از اشعار، چه تمهیداتی برای ارتباط مخاطبان بین‌المللی کار در نظر گرفته‌اید؟

کلام در این نمایش نقش عنصر مکمل را ایفا می‌کند و اگر کسی این بخش از نمایش را متوجه

نشود، با تصاویر ارتباط برقرار می‌کند، یعنی آن‌ها که با کلام ارتباط برقرار نمی‌کنند، می‌توانند از بخش صوتی و آوازی نمایش نیز بهره بگیرند، به‌گونه‌ای که شاید در برخی از صحنه‌ها محتوای شعر خیلی اهمیت نداشته باشد.

تکنیک اجرایی نمایش چگونه است؟ آیا در ادامه تجربیات قبلی خود ایده‌ای جدید را برای شاهنامه در نظر گرفته‌اید؟

این تکنیک را در تجربه‌های قبلی گروه نیز به‌صورت تجربی پی‌گرفته بودیم و این بار به‌شکلی متفاوت آن را ادامه خواهیم داد. در طول نمایش از عکس‌های متفاوتی که با آهن‌ریا بر روی صفحه‌ای تکان می‌خورند و نوعی کلاژ را شکل می‌دهند، بهره می‌گیریم. به لحاظ فرم و ارتباط بیشتر با شاهنامه هم سعی کرده‌ایم از متریا‌های بصری فرهنگ ایران همچون نقوش قهوه‌خانه‌ای و یا مینیاتور ایران استفاده کنیم. البته بیشتر از نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای استفاده کرده‌ایم و امید داریم که به‌لحاظ بصری و دو بعدی بودن تأثیر نامحسوس خود را روی تماشاگران بگذارد.





زهرا صبری،
کارگردان نمایش
«تا یک بشمار»

خیام با تکنیک گل و دل



زهرا صبری بعد از اجرای دو نمایش بر اساس اشعار مولانا این بار به سراغ رباعیات خیام رفته است. او در این دوره از جشنواره تئاتر عروسی نمایش «تا یک بشمار» را براساس اشعار و تفکرات خیام اجرا می‌کند.

شاید برای شما هم جالب باشد که بدانید در جنگ‌های جهانی بیشترین کتابی که در سنگر سربازان انگلیسی پیدا شده بود، رباعی‌های خیام بود که به زبان انگلیسی ترجمه شده بود. همین مسئله جرقه اولیه اجرای نمایش «تا یک بشمار» را در ذهن صبری زد. او که دو نمایش قبلی‌اش را براساس اشعار مولانا اجرا کرده است، می‌گوید: «وقتی می‌خواهیم به گنجینه‌های ارزشمندمان پردازیم حس می‌کنم چه عمر کوتاهی دارم. اگر بخوام هر دو یا حتی چند سال یک بار به سراغ یکی از شاعران ایرانی بروم، نمی‌دانم شاید دویته‌های خیام مرا گول زد. پس از این‌که از دریای بیکرانه مولانا توانستم به اندازه یک انگشتانه بچشم، دویته‌های خیام مرا جذب کرد. شاید در آغاز تصور می‌کردم از دریایی بیکرانه به برکه‌ای زیبا خواهم رسید اما دریغ از این همه بی‌خبری که این برکه کل دریاست.»

زهرا صبری در نمایش «تا یک بشمار» هم مانند نمایش «طوطی پر» از اشعار خیام الهام گرفته است. در این نمایش از هیچ شعری استفاده نشده و یک سری تصاویر می‌بینیم که بر گرفته از افکار خیام است. اما آنچه در این میان اهمیت دارد این است که در این‌جا خیام تنها به‌عنوان شاعری جهانی مطرح نیست بلکه صبری با را از اشعار او فراتر گذاشته و به این چهره به‌عنوان چهره‌ای اندیشمند و دانشمند پرداخته است:

«در این‌جا فقط دویته‌های او مطرح نمی‌شود. گویی کسی افکار او را به کار تزریق کرده است. ما به تفکر خیام توجه داریم که بسیار جهانی است و به زیستن در حال می‌اندیشیم، این‌که همواره در جریان زندگی، زمان‌حال را میان دو پراتز فردا و دیروز، زندانی می‌کنیم.»

او برای اجرای این اندیشه‌ها، تکنیک گل و دل را انتخاب کرده است. صبری در هر نمایش نوآوری‌هایی دارد که برای تماشاگران آثار او شیرین و دلپذیر است. وقتی درباره نوآوری‌های نمایش جدیدش می‌پرسم، می‌گوید: «وقتی کاری را آغاز می‌کنم با این رویکرد نیست که نوآوری داشته باشم. خود کار است که با آدم حرف می‌زند. کار است که دستم را می‌گیرد و راه و چاه را نشانم می‌دهد. این‌ها مستلزم نگاه‌های ویژه هم هست.»

«تا یک بشمار» دست زهرا صبری را گرفت و او را به سمت استفاده از گل برد تا این نمایش با تکنیک گل و دل اجرا شود. «این را از خود اشعار گرفته‌ام که عروسک‌ها باید گلی باشد و طراحی صحنه هم جز دایره‌هایی که یادآور چرخ کوزه‌گری است، چیز دیگری نیست. تحلیل کار است که شیوه اجرایی را انتخاب می‌کند. به جز گل هیچ چیز دیگری جواب نمی‌داد.» و حالا از گروهش سپاسگزار است که با سختی‌های این نمایش کنار می‌آیند چرا که نیمی از زمان تمرین گروه به احیای گل اختصاص می‌یابد. در کار با گل باید خشن و نرم رفتار کنی، تا زمانی که گل زمین نخورد و ورز نیابد به حرف نمی‌آید اما وقتی به حرف می‌آید، سخنانی می‌گوید که برایت دلنشین خواهد بود.

عروسک‌های سنتی برای نسل امروز

محسن ساسانی
کارگردان نمایش
«جی‌جی‌وی‌جی»



محسن ساسانی با وجود آن‌که از شهر اراک در جشنواره تئاتر عروسی حضور پیدا کرده است، اما قصد دارد نمایش آئینی و عروسی «جی‌جی‌وی‌جی» را که متعلق به شهر شیراز است، با متنی از مریم رشیددل اجرا کند.

خودش می‌گوید: «پدرم شیرازی است و به احترام او تصمیم گرفتم به جای آن‌که کاری از منطقه اراک انتخاب کنم، نمایش عروسی «جی‌جی‌وی‌جی» را کار کنم. البته ترجیح دادیم در اجرای این کار از هرگونه نگاه حوزه‌ای به این نمایش قدیمی پرهیز کنیم و به جای روایت و اجرای سنتی نمایش، کاری نو و معاصر ارائه کنیم.»

او معتقد است اجرای گروهش از نمایش «جی‌جی‌وی‌جی» تلفیقی از سنت و مدرنیته محسوب می‌شود، به‌طوری‌که ساختار متن و حتی

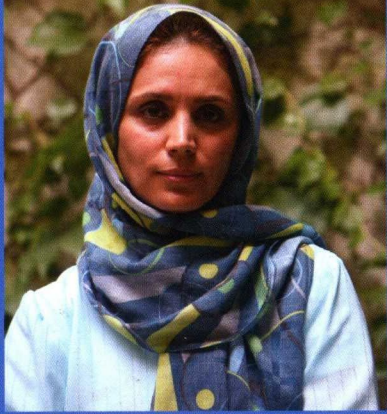
ساخت عروسک‌ها کاملاً تغییر شکل یافته و در فضای معاصر می‌گذرد تا بتواند با مخاطبان امروزی همان ارتباط را برقرار کند.

ساسانی تأکید کرد که کارگردان و هنرمند تئاتر موظف است در هر شرایطی براساس دغدغه‌های روز جامعه‌اش کار کند و در عین حال نوعی تنوع را باید مورد توجه قرار دهد. این در حالی است که در گذر زمان کلیت داستان و متن تغییر نمی‌کند زیرا جزیی از فرهنگ ایرانی است بلکه براساس شرایط روز می‌توان حرف‌های جدیدی تا تماشاگر احساس نزدیک‌تری با کار برقرار کند. این کارگردان تئاتر شهرستان درباره تغییراتی که در شیوه اجرای این اثر داده است، می‌گوید: «نمایش عروسی «جی‌جی‌وی‌جی» در مراسم عروسی و پاتختی اجرا می‌شد و از آن‌جا که مخاطب آن کودکان و نوجوانان

هم بودند، معمولاً با داستان‌های طنز ساده و روان که مناسب این گروه سنی باشد قبل از نمایش‌های سیاه‌بازی اجرا می‌شد. از سوی دیگر این نمایش نیاز به امکانات گسترده نداشت، بلکه با استفاده از چادر شب که در گوشه‌ای از دیوار آویزان می‌شد و چند عروسک ساده و دست‌کشی اجرا می‌شد. در این نمایش معمولاً یک نفر عروسک‌گردانی می‌کرد و یک نفر هم ساز می‌زد. مرشد هم داستان را تعریف می‌کرد. کار ما هم در این اجرا کاملاً براساس عروسک‌گردانی و بازی‌های کلامی است و سعی کرده‌ایم میزانشن‌هایی را برای آن طراحی کنیم تا در نهایت محدودیت، لذت بصری و طنز را هم به تماشاگر منتقل کنیم. ما تمام تلاش خود را کرده‌ایم تا از این محدودیت نهایت استفاده را داشته باشیم.

افسانه زمانی
کارگردان دختران
باغ‌های قالی

نگاه فانتزی به قالی ایرانی بر ایم جذابیت داشت



جذابیت آن برای کودکان است. زمانی می‌گوید: «قبلاً هم نمایش‌های ریتمیک و موزون برای بزرگسالان اجرا شده است که بسیار هم موفق بوده‌اند. این نوع بیان شکل ایرانی‌تری به نمایش می‌دهد و در نمایش «دختران باغ‌های قالی» هم فضا ایجاب می‌کرد که متن وزن‌دار باشد. چون در بسیاری از قسمت‌ها از مثل‌ها و ترانه‌های ایرانی استفاده شده است که هم برای مخاطب کودک و هم بزرگسال جذاب خواهد بود.»

زمانی معتقد است که نمی‌توان این نمایش را برای مخاطب کودک و بزرگسال دسته‌بندی کرد. به دلیل این‌که او تا به حال برای کودکان نمایش‌های زیادی را روی صحنه برده در این نمایش هم نتوانسته از مخاطب کودک صرف‌نظر کند و بخشی را برای آشنایی آنان با قالی ایرانی و نقش‌های آن اختصاص داده است. به گفته زمانی بزرگسالان هم با بسیاری از نقوش قالی ایرانی بیگانه هستند و این نمایش برای آنان هم بدون جذابیت نخواهد بود.

ساخت عروسک‌ها آغاز شده که تا جشنواره روند ادامه پیدا کرده. بنا به تکیکی که در نمایش استفاده می‌شود، دکور حجیمی برای نمایش ساخته شده است. بخشی از دکور مربوط به پارتیشن عروسک نخی می‌شود. فضای قالی‌بافی و کوچه‌باغ‌ها هم در دکور طراحی شده و برای طراحی باغ‌ها از فضای سایه استفاده شده است. ساخت دکور زمان‌بر و سخت بوده و به گفته زمانی برای اولین بار است که در این گروه برای نمایش سایه‌ای هم دکور ساخته می‌شود. عموماً برای نمایش سایه‌ای دکوری وجود ندارد اما زمانی به همراه دیگر افراد گروه ناچار شده‌اند برای به نمایش کشیدن فضای باغ‌ها برای این بخش هم دکور بسازند.

زمانی از موسیقی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی نمایش نام می‌برد و تأکید می‌کند که این موسیقی برای مخاطب کودک هم جذاب خواهد بود: «موسیقی ریتمیک است و قابلیت درک شنیداری کودک را در ساخت موسیقی در نظر گرفته‌ایم. البته مخاطب نمایش عام است اما برای کودکان هم جذابیت زیادی دارد. سازبندی کاملاً ایرانی است اما به دلیل این‌که موسیقی ریتمیک است بسیاری از بخش‌های متن وزن دارد. با این‌که نمایش زبان ساده‌ای دارد اما متن وزن دارد.»

وزن‌دار بودن متن به اعتقاد زمانی یکی از دلایل

افسانه زمانی امسال با نمایش «دختران باغ‌های قالی» نوشته هنگامه مفید در جشنواره حضور دارد. زمانی سال‌ها است که در عرصه نمایش عروسکی فعالیت می‌کند و بیشتر نمایش‌هایش برای گروه سنی کودک روی صحنه رفته است اما این بار او با انتخاب این نمایش مخاطب بیشتری از جمله نوجوانان و بزرگسالان را هم برای نمایش خود خطاب قرار داده است. داستان این نمایش درباره دختر قالی‌بافی است که نقش قالی را گم می‌کند و با دختران قالی‌باف وارد سفری می‌شود تا نقش قالی خود را پیدا کند. هنگامه مفید این قصه را برای زمانی تعریف می‌کند و او از مفید می‌خواهد تا آن را برای جشنواره بنویسد. زمانی می‌گوید: «خانم مفید توانایی زیادی در نگارش متون ایرانی دارد. ایرانی بودن قصه، پرداخت به فرش ایرانی و نگاه فانتزی جذابی که به قالی ایرانی در این داستان وجود دارد برای من بسیار جذاب بود. بسیاری از اشعار و ترانه‌ها سروده خانم مفید است و ایشان بنا به ضرورت از ادبیات عامیانه و اشعار و بازی‌های ایرانی هم استفاده کرده‌اند.»

زمانی از تلفیق چند تکنیک عروسکی در این نمایش استفاده کرده، عروسک‌های این نمایش نخی، سایه‌ای و میله‌ای ساده هستند. به گفته کارگردان فضای قصه به گونه‌ای است که باید از چند تکنیک استفاده می‌شود. از اوایل خرداد کار

علیرضا شکورپور
کارگردان نمایش
«افسانه شال
ترس مامد»

آرزویی برای مادر بزرگ‌های قصه گو

محدودی از مخاطبان سر و کار دارد، اما در عین حال تأثیرگذاری اثر بر روی مخاطب زیاد است و امیدوارم امتداد داشته باشد. شکورپور در پایان آرزو دارد تا کاش هنوز هم مادر بزرگ‌هایی باشند که دور کرسی برای فرزندان‌شان قصه‌ها را سینه به سینه روایت کنند. ای کاش باز هم روزهایی بیاید که دور هم جمع شویم و به همین سبک و سیاق قدیمی قصه گوش کنیم. آن‌ها با زبان الکن و سواد کم خود، اما با شیرینی قصه را تعریف می‌کنند، به طوری که برای نسل‌های زیادی می‌توان این داستان‌ها را روایت کرد.

از کودکی این داستان را در کنار داستان‌های فولک دیگری برایم تعریف می‌کرد. البته این داستان هم روایت‌های متعددی دارد که ما این شکل از آن را انتخاب کرده‌ایم و به داستان اصلی نزدیک‌تر است. از سویی دیگر این شکل از داستان تا حدودی هم شبیه به داستان معروف «حسن کچل» است که برای تماشاگران کاملاً شناخته شده و آشناست. او در عین حال معتقد است: «تنها جایی که می‌توان داستان‌های فولکلور را زنده نگه داشت، همین جشنواره است. از سویی دیگر نمایش رسانه‌ای است که با تعداد

علیرضا شکورپور که از بنادر انزلی در بخش نمایش‌های شهرستانی جشنواره تئاتر عروسکی حضور دارد، نمایش «افسانه شال ترس مامد» را براساس یکی از افسانه‌های فولک روایت می‌کند. این نمایش داستان آشنای مردی است که مرغش را دوست داشت ولی شغالی این مرغ را می‌دزد دو برای یافتن مرغ به جنگلی راه پیدا می‌کند که زمینه‌ساز اتفاقاتی برای او می‌شود.

شکورپور می‌گوید: «مادر بزرگی داشتیم که با وجود سواد اندکش قصه‌گوی خوبی بود و همیشه

شش ماه تمرین مداوم کردیم

گفت و گو با رسول نجفیان کارگردان نمایش «بیژن و منیژه»

رسول نجفیان سال‌ها است که به شکل‌های مختلف روی شاهنامه فردوسی کار می‌کند. گاهی بخشی از آن را با بازیگران روی صحنه می‌برد و زمانی شعرهای آن را با گروه موسیقی اش به شکل‌های مختلف اجرا می‌کند اما این بار تصمیم گرفته در جشنواره عروسکی داستان «بیژن و منیژه» را روی صحنه ببرد. «بیژن و منیژه» یکی از داستان‌های جذاب شاهنامه فردوسی است که برای هنرمندان قدیمی و جدید خالی از جذابیت نیست و افرادی که با شاهنامه فردوسی آشنا هستند و دستی در کارهای هنری دارند، علاقه‌مندند که این داستان را به شیوه‌های مختلف نمایشی اجرا کنند. نجفیان از سال‌های گذشته در نمایش عروسکی فعالیت داشته و یکی از فعالان این عرصه بوده است. نجفیان به همراه مرضیه برومند هم روی شاهنامه کار کرده بودند و نمایش «زال و سیمرغ» را روی صحنه برده‌اند. نمایش «سار» هم نمایشی عروسکی به کارگردانی برومند بوده که در چند جشنواره داخلی و خارجی اجرا کرده‌اند. او به همراه قطب‌الدین صادقی هم در نمایش «ببر دیوانه»، مرد فرزان» حضور داشته. بنابراین نجفیان در نمایش عروسکی تجربیات فراوان دارد و با این که چند سالی در این عرصه حضور نداشته اما به خوبی با نمایش عروسکی آشنا است.

نجفیان در باره علت انتخاب «بیژن و منیژه» برای اجرای جشنواره عروسکی می‌گوید: «این نمایش قصه شادی دارد و درباره جوان‌هایی است که در برابر سختی‌ها می‌ایستند. این داستان سرشار از فداکاری و پند و اندرزهای حکیمان است.»

نمایشنامه با استفاده از شعرهای فردوسی نوشته شده و تغییری در اشعار داده نشده.

تنها پرداختی صورت گرفته تا متن طراحی شود. بعضی صحنه‌ها تغییر کرده تا خط داستانی برای اجرای صحنه‌ای دراماتیک شود.

نجفیان به جای اجرای عروسکی از شیوه شمایل‌گردانی در این نمایش استفاده کرده است. شمایل‌اسب،

سرباز هخامنشی ...

که در حوزه تئاتر زنده امکان بازسازی این نمادها وجود ندارد، نجفیان می‌گوید از دوران کودکی ما با عروسک‌ها و اسباب بازی‌ها آشنا هستیم و این کار در ذهن تمام آدم‌های بزرگسال هم رسوب کرده است و حتی افرادی که سن بالایی دارند هم گرایش خاصی به عروسک دارند. اما فکر می‌کنم وقتی از حکیم فردوسی صحبت می‌کنیم بیشتر شمایل و نقاشی‌های مختلف هخامنشی و حتی نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای به نظرمان می‌آید. به همین دلیل من هم سعی کردم از شمایل برای به نمایش درآوردن این داستان استفاده کنم. در هیچ تئاتری ما نمی‌توانیم هزاران اسب و سرباز بیاوریم از طرف دیگر نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای در تمام دنیا طرفدار دارد و تماشاگران تحت تأثیر می‌روند و پرده‌خوانی قرار می‌گیرند. نمایش عروسکی بهترین امکان را به ما می‌دهد که به بهترین وجه به شاهنامه فردوسی شکل نمایشی بدهیم.»

نجفیان در طراحی صحنه از طراحی‌هایی بایسنقر الهام گرفته است و موسیقی برگرفته از موسیقی نواحی مختلف و شاهنامه‌خوانی با پرداخت نو و شاد است که تقریباً می‌توان گفت شکل امروزی به خود دارد. تمامی دکورها توسط شمایل‌گردان‌ها ساخته و بعد به هم ریخته می‌شود تا دکور دیگری بر پا شود. قصر افراسیاب ساخته می‌شود، جنگل سروت که مخفیگاه منیژه است ساخته و دوبار برچیده می‌شود. ۳۰ شمایل دیگر در صحنه حضور دارند که با ۲۰ نفر از عوامل پشت صحنه یک گروه ۵۰ نفری را تشکیل می‌دهند. رهبری چنین گروه پر جمعیتی کار سخت و دشواری بود و نجفیان می‌گوید: «این کار حتی از کارگردانی یک فیلم سینمایی هم زحمت بیشتری دارد. تئاتر کار طاقت‌فرسایی است و با ۵۰ نفر کار کردن و سروکله زدن حوصله و صبر بسیاری می‌خواهد.»

تمامی گروه این نمایش از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان تئاتر انتخاب شده‌اند. بازیگران حرفه‌ای هم در این کار حضور دارند. تمرینات شش ماه به طول انجامیده است. نجفیان درباره طولانی بودن زمان تمرین می‌گوید: «شعرها باید روخوانی و تحلیل شود. ما ماه‌ها روخوانی داشتیم و فقط شاهنامه‌خوانی می‌کردیم بعد از روخوانی شعرها باید از حفظ می‌شدند و حتی جلساتی برای آکسان‌گذاری و تمرین شعرخوانی برگزار کردیم. آقای حسین وحیدی مشاور پروژه بودند و خانم گیتی مرتضوی که شاهنامه پژوه هستند به ما در این کار خیلی کمک کردند.

در گروه موسیقی که به‌طور زنده

اجرا می‌شود سازهای سه‌تار، دیوان، تنبور، دف و طبل نواخته می‌شود.» نجفیان راوی نمایش است و یک‌گروه پنج نفره او را در نواختن موسیقی همراهی می‌کنند.

ساخت شمایل‌ها و دکور از شش ماه پیش آغاز شده است. شمایل‌ها با استفاده از نقاشی هخامنشی پیش از اسلام، دوره شاه عباس، بایسنقر و قاجار طراحی شده است. علاوه بر شمایل بخشی از نمایش با سایه و بازی با صدا اجرا می‌شود. نجفیان معتقد است نمایش عروسکی شکل فانتزی‌تری دارد و می‌توان تجربیات اکسپرسیونیستی بهتری را در نمایش عروسکی داشت. مدت زمان نمایش ۱۱۵ دقیقه است که به گفته نجفیان علاوه بر بزرگسالان، کودکان هم می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند. چاه بیژن با تکنیک سایه به نمایش گذاشته می‌شود. برخی شخصیت‌ها نقاب به چهره دارند و به نمایش درآوردن حیوانات با استفاده از شمایل نیم‌تنه انجام گرفته است.

نمایش بیژن و منیژه، در جشنواره عروسکی اجرا می‌شود و پس از آن به مدت یک ماه در فرهنگسرای نیاوران روی صحنه می‌رود. نجفیان می‌گوید:

«زحمت بسیاری برای اجرای این نمایش کشیده شده است. گروه در شرایط سختی تمرین کرد. در گرمای شدید تابستان در سالی که هیچ نوع دستگاه خنک‌کننده‌ای نداشت، بچه‌ها با دل و جان شش ماه تمام روی این نمایش وقت گذاشتند. تنها جوابگوی این زحمات استقبال مردم از نمایش خواهد بود که امیدوارم این اتفاق بیفتد و زحمات گروه بی‌پاسخ نماند.»

نامه‌های پیرترین پیر مرد شهر

نگاهی به نمایش «پستچی می‌آید» به

کارگردانی کلودیو هوکمن

انور سبزی

بنابراین دزدها دست به کار می‌شوند و گنج او را می‌دزدند. دون کارملو، پس از این سرقت، غمگین می‌شود. دزدها پس از بازکردن صندوق گنج دون کارملو آن‌ها را ننگه داشته، دلشان به حال او می‌سوزد و تصمیم می‌گیرند که هر هفته یکی از

آن نامه‌ها را از طریق پستچی به او بازگردانند و این‌گونه است که او دوباره همان دون کارملوی خوشحالی می‌شود که از ابتدا بود.

«پستچی می‌آید» از نظر نوع و تکنیک عروسکی تلفیقی از حضور بازیگر، عروسک‌های انگشتی، میله‌ای و کاغذی است. صحنه نمایش‌اش را نیز یک مکعب تشکیل داده که روی آن تصاویری از شهر و محل زندگی دون کارملو نقاشی شده است. همچنین هنگامی که مکعب (صحنه نمایش) باز می‌شود، به خانه دو طبقه دون کارملو تبدیل می‌شود که همه اسباب و اثاثیه‌های آن در اندازه‌های بسیار کوچک ساخته شده است. به جز دو عروسک انگشتی این نمایش، سایر عروسک‌ها قابلیت تحرک بالایی ندارند و بیشتر به عروسک‌هایی فاقد حرکت یا کم تحرک می‌مانند؛ در این‌گونه مواقع، بیشتر از آن‌که عروسک‌ها در مرکز توجه قرار بگیرند، این بازیگر نمایش است که بکه تازی و ابراز وجود می‌کند. با این حال، بار فانتزی اجرا خیلی بالا نیست و در بیشتر موارد نمایش سعی دارد تا هر چه بیشتر خود را به واقعیت و جهان رئالیستی انسان‌ها نزدیک کند. مسئله‌ای که در بیشتر موارد، هنرمند نمایش عروسکی سعی می‌کند تا هر چه بیشتر نمایش‌اش را فراتر از دنیای انسان‌ها ببرد و نسبت‌هایش را از دنیای رئالیستی پیرامون جدا کند.

به‌طور کلی تماشاگر نمایش عروسکی، برای باور کردن نمایش به‌طور کلی و عروسک به‌طور خاص، نمایش عروسکی را همزمان به دو شیوه می‌بیند: اول به معنای شی و وسیله‌ای قابل درک و دوم در معنای زندگی تخیلی و فانتزی‌ای که ممکن الوقوع است. از این نظر «پستچی می‌آید» نمایش قابل قبول و موفقی است و به‌راحتی تماشاگرش با آن ارتباط برقرار می‌کند.

نمایش «پستچی می‌آید» نمایش تک نفره با تعدادی عروسک است که از کشور آرژانتین، در بخش بین‌المللی جشنواره شرکت کرده است. این نمایش به‌رغم پایان خوش‌اش، داستانی بسیار تلخ را از تنهایی پیرترین پیر مرد یک شهر کوچک روایت می‌کند. راوی نمایش یک پستچی است و بر طبق عادت خانوادگی‌شان، که نسل‌اندروسل پستچی بوده‌اند، به این شغل روی آورده‌است. او داستان تنهایی و غمگین پیرترین پیر مرد شهر را که پدر بزرگ‌اش است بازگو می‌کند. پیر مرد، تک و تنها و به همراه سگ‌اش که تنها مونس او است به زندگی ادامه می‌دهد و با حقوق بازنشستگی‌اش زندگی می‌گذراند. در همسایگی او چندین خانواده زندگی می‌کنند و گاهی او را ملاقات می‌کنند. ماریا پیرزنی فضول است که به زندگی همسایه‌ها، از جمله پیر مرد (دون کارملو) سرک می‌کشد و زن دیگری نیز در همسایگی دون کارملو زندگی می‌کند که انگار به‌دون کارملو علاقه‌مند است و نتیجه پایان خوش نمایش نیز، عشق او با دون کارملو است.

«پستچی می‌آید» از داستان بسیار ساده و صمیمانه‌ای بر فاز خوردار است که به‌راحتی با هر نوع مخاطبی ارتباط برقرار می‌کند اما به نظر می‌آید که بهترین مخاطب برای این نمایش می‌تواند کودکان باشد.

داستان ساده و صمیمی این نمایش، به‌رغم کلام محور بودنش و بازی ساده و صمیمی پستچی، که عروسک گردان تمام شخصیت‌ها نیز هست، نقطه اتکای اصلی نمایش و عامل موفقیت اجرا و ارتباطش با مخاطب است.

دون کارملو تنها سرمایه زندگی‌اش را، گنج‌اش را (نامه‌های دوستانش) در خانه پنهان کرده اما تمامی اهالی شهر از گنج ناپیدای او آگاهند.





رضا آشفته

آیین نوروز و خانه‌تکانی برای بچه‌ها

عروسک‌گردان‌ها اگر دست و روی خود را بپوشانند بهتر خواهد بود چرا که حفظ ماهیت غیر انسانی عروسک‌ها دلالت بیشتری بر فانتزی اثر و جاذبه درام خواهد کرد.

در جریان بازی‌های زنده هم احساس‌ساز بر این است که هنوز تسلط کافی بر نقش اتفاق نیفتاده است. بازیگر حاجی فیروز نیاز به بهره‌مندی از خصایلی دارد تا بتواند یک حاجی فیروز حقیقی را در صحنه ارائه کند.

یک قصه چند سویه

نمایشنامه یک قصه چندسویه دارد. از یک سو رابطه ننه‌نوروز و پسرش با عنکبوت مطرح می‌شود. از سوی دیگر رابطه دو خانم خانه‌دار که قرار است، یکی روزهای نوروز در خانه‌اش بماند و دومی برای این روزها دوست دارد که در ویلای شمالش وقت بگذراند. اما در سویه سوم حضور حاجی فیروز را داریم؛ که با آمدن او دوستی عنکبوت با ننه‌نوروز و پسرش ممکن می‌شود و بعد رابطه خانم‌های خانه‌دار هم برقرار می‌شود و آن دو در مجاورت هم نوروز را به خوشی خواهند گذراند.

شروع درام نیز معرفی یک‌سری آدم است که با حرفه خود معرف آمدن نوروز و سال نو خواهند بود. اینان هم در پس‌زمینه درام قرار می‌گیرند و فقط جلوه فرهنگی و آیینی نوروز را آشکار می‌سازند. حاجی فیروز و ننه‌نوروز هم خود معرف باور درونی آدم‌ها هستند که بیان‌گر فرهنگ ایرانی خواهند بود.

دیالوگ‌ها در برخی از صحنه‌ها زیادی به نظر می‌رسد و شاید هم زیاد نباشد بلکه به خاطر نحوه بازی و بیان، بلند به نظر می‌رسد. به هر تقدیر نیاز به بازنگری در اجرا دارد و اگر طولانی است، بهتر است که کوتاه شود.

در هر صورت توانمندی آموزشی اثر بالاست؛ مشروط بر آن‌که نواقص موجود برطرف شود و نمایش با هماهنگی بیشتری در معرض دید مخاطبانش قرار بگیرد. برای آن‌که کودک نیاز به ضربه‌هنگ برقرار و زیبایی شناسی تلطیف شده و عواطف و احساسات شفاف دارد و در لغزیدن هر یک از این موارد پیوند و ارتباط با گسست روبه‌رو خواهد شد. کودک دوست دارد که صدای خوبی را بشنود و تصاویر زیبایی را ببیند و هر آن‌چه را می‌شنود پیام پندآمیزانه و مستقیم نباشد و این نمایش به این موارد توجه ویژه دارد و همان کاستی‌هاست که لحظاتی از اثر را دچار نقصان و دور کردن ذهن از ماجراها خواهد کرد. دیالوگ باید به کنش‌های رفتاری تبدیل شود و نباید فقط صدا و نطق و خطابه باشد. این نکته‌ای است که خواه ناخواه حوصله تماشاگر را سر خواهد برد. طراحی صحنه نیز از جمله مشخصه‌های زیبای اثر است که کارکرد خاص خود را هم دارد و اگر قرار باشد که در میزانشن‌های کارگردان با این هدف که تحرک بیشتری لحاظ شود، آن وقت باید به فکر تحرک در دکور هم افتاد. مگر آن‌که به تحرک فعلی بسنده شود. اما دانسته است که کودک نیاز به تحرک بیشتر و روند پویاتر دارد و ذهن او اصلاً با مکث و سکوت و کم تحرکی میانه‌ای ندارد و هر چه این لحظات کمرنگ‌تر باشد بیش‌تر لذت خواهد برد.

«بهار اومد» نمایشی برای کودکان و درباره سنت و آیین نوروزی که وجه مشخصه آن خانه‌تکانی است. حالا حسن دادشکر بر آن است که از طریق یک نمایش عروسکی این سنت و آیین قدیمی را که از دیرباز در سرزمین ایران از جایگاه و اعتباری برخوردار است و بیان‌گر فرهنگ مشترک اقوام ایرانی است، برای بچه‌ها بیان کند.

مطمئناً عروسک به دلیل جاذبه‌های ظاهری می‌تواند جنبه‌های تعلیمی و تربیتی یک اثر را بالاتر ببرد. به هر روی عروسک بر جنبه فانتزی و انتزاعی اثر تأثیر می‌گذارد و روان آدمی را برای تخیل کردن تحریک



می‌کند. کاتالیزوری است که روان را به دور از هیاهوهای موجود در رفتار و گفتار آدمی آماده می‌کند تا غیر مستقیم در جریان ماجراها، روابط و ماهیت پدیده‌ها قرار گیرد. بنابراین این‌که نمایشی با عروسک آمیخته می‌شود، از جاذبه اولیه برای دنبال شدن آن تا به پایان برخوردار است و البته در مراحل بعدی عروسک‌گردانی و صداسازی بازیگر در ایجاد این جاذبه موثر خواهد بود.

حسن دادشکر بر ماهیت عروسک و کارکرد آن آگاه است و به همین خاطر هم در نمایش «بهار اومد» از تلفیق چندگونه نمایش عروسکی بهره‌مند می‌شود. او از شیوه‌های دستکشی، میله‌ای، ماسک و حضور زنده بازیگر و ماورای‌بنفش در جای جای اثر بهره‌مند می‌شود. پرنده‌ها و عنکبوت، ننه‌نوروز و پسرش دستکشی هستند، پروانه میله‌ای است، حاجی فیروز و دو خانم خانه‌دار هم از ماسک و حضور زنده‌شان استفاده می‌شود، در ابتدا نیز آب حوضی، فرشی، نظافتی، بستنی فروش و... به شکل ماورای بنفش معرفی می‌شوند. همین خود باز یک عامل چشم‌نواز شدن اجرا خواهد شد. البته در ارائه عروسک‌های دستکشی احساس می‌شود که

اگر بر این ایده متفق باشیم که ابزار کار در نمایش عروسکی می‌تواند به قدر همه پدیده‌های اطرافمان وسیع و متنوع باشد، اجرای نمایش مومشازن از گروه اجرایی سوئیس، به تمامی این ایده را نمود داده است. آن‌جا که عروسک، طیف وسیعی از اشیاء پیرامون حیات انسانی ماست، که با گذر از صافی خلاق گروه، تصاویری بکر و بدیع را به دید می‌آورد. تکنیک به کارگیری عروسک‌های تن‌پوش که در اغلب صحنه‌های نمایش‌هایی از این دست، حداکثر از حدود مرزهای نمود تن انسان گذر نمی‌کنند، در این اجرا، گستره متنوعی از اجزای اغراق شده انسانی - مثل کف یک دست - و شکل‌های انتزاعی را نمایش می‌دهند. شیوه اجرایی این نمایش متبخرانه، مخاطب را به عرصه‌ای از خیال می‌کشاند که احساس حیرت حاصل به دید آوردن آن است.

اجرای فوق، خلأقانه از مرزهای پیشین گذر کرده است. با ارائه‌ی تصاویری دوگانه، جدا از تصاویر تکراری پیشین، از جهتی هويت زنده و انسانی عروسک‌ها را نمایان می‌سازد، و از جهتی دیگر، همراه با آشنایی‌زدایی، از موادی جهت تجسم عروسک بر صحنه سود می‌جوید که مخاطب تاکنون به ارزش جان‌بخشی آن پی نبرده بود. این گونه است که حیرت مخاطب را از دیدن عروسک‌هایی متنوع و عجیب بر می‌انگیزد.

نکته مهمی که در اجرای مومشازن به چشم می‌خورد، تعمد در ارائه تصویر است. به این گونه که تصاویر، صرفاً از جهت نحوه خلق غریب‌شان به دید می‌آیند. به زبانی دیگر، مهارت عروسک‌گردان در تجسم‌بخشی به ابزار پیش رویش، منجر به جان‌بخشی و ایجاد تحرک در این ابزار شده و آن را به عروسک تبدیل می‌کند. قرار نیست داستانی گفته شود. تنها کیفیت این جان‌بخشی مد نظر است.

شیوه اجرا و کیفیت به دید آوردن این تصاویر به واسطه مهارت خارق‌العاده عروسک‌گردانان و همچنین طراحی مناسب نور، ادعایی در ارائه داستان ندارد. فهم این مسئله منجر به پررنگ شدن نقش اجراکننده می‌شود. به این معنا که نقطه تأکید تنها خود اجراست، و اساساً نباید به دنبال ربط صحنه‌ها به هم، و به زبان دقیق‌تر داستان گشت.

این شیوه به گونه‌ای یادآور شعبده‌بازی و کیفیت آن است. شعبده‌باز خرگوشی را در کلاه غیب می‌کند و با تکرار عکس این عمل، حیرت مخاطبان خود را برمی‌انگیزد. اعمال شعبده‌باز در بازه زمانی پیش رویش، متنوع و گوناگون است. این اعمال لزوماً به هم مربوط نیست و ادعای روایت داستانی را از مجموعه خود ندارد. صرفاً آنچه مهم است، عمل شعبده‌باز است در غیب کردن و آشکار کردن خرگوش. ایده شعبده‌بازی با مهارت در ایجاد حیرت مخاطبان فهم می‌شود.

این گونه است که اجرای مومشازن، در همپایی با ایده شعبده‌بازی، صحنه‌ای بدیع را شکل می‌دهد که در آن تصاویر ایزودیک‌وار، بی هیچ ربطی به هم، تنها حیرت و تعجب مخاطب را بر می‌انگیزد.

در راستای ایده اصلی تئاتر عروسکی - و در معنایی عام‌تر، تئاتر - نمایش فوق، توجه به ناب‌ترین و پایه‌ای‌ترین مفهوم اجرا را در بر دارد. به این سیاق که تنها به ذات اجرا نظر دارد. این که در صحنه‌ای خالی از عناصر دکوراتیو و بدون استفاده از تمهید آشنایی روایت داستان، تنها به پاری مهارت عروسک‌گردان و

طراحی نور، جلوه‌ای ناب

از هنر اجرا را به منصفه ظهور می‌رساند.

تنوع تصاویر از گوناگونی عمل اجرا کننده بر می‌آید. در این میان و در روند همان مفهوم ناب اجرا، اجراکنندگان سعی بر ارتباط نزدیکی با مخاطب خود دارند. ایشان بارها از مرز صحنه گذشته و با به چالش کشاندن فیزیکی مخاطب، بداهه بودن اجرا را به رخ می‌کشند. بداهه بودنی که در نبود متن و در پیوند با مهارت اجراکننده، ارتباط را پررنگ‌تر می‌کند. ارتباطی که بی تردید مهم‌ترین آماج نمایش مومشازن است.

طراحی نور در این اجرا سهم مهمی در ایجاد تصاویر دارد. آن‌جا که در روند مهارت آمدن و رفتن نور و همچنین حجم آن روی صحنه، عملاً عرصه‌ای را فراهم می‌کند که در آن انواع عروسک‌های این اجرا به نوعی بی‌گرداننده به نظر آیند. این گونه که به نظر می‌رسد گویا نوعی خودکاری در این عروسک‌ها به کار است. نتیجه این وضعیت ایجاد احساس حیرتی است که مخاطب خود را در محاط آن حس می‌کند. نمایش مومشازن بی‌تردید یکی از ناب‌ترین نمونه‌های هنر اجراست که در سیزدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران به دید آمده است. اجرایی که ۱۱۰ دقیقه حیرت را نمایش داد. و بعد از آن حیرت‌سی دو چندان از خلاقیت این گروه که مواد و ابزار جان‌بخشی خود را از اشیاء ساده و روزمره زندگی هر روزه هر یک از ما انتخاب کرده‌اند.

حیرت در ۱۱۰ دقیقه

علیرضا شاه‌داغی

نگاهی به نمایش
مومشازن به کارگردانی
فر استورنی شورچ



Worshops

In Paper Theatre Workshop Two-Dimension Paper Theatre

Alain Lecucq and Narges Majd are two artists who hold a paper theatre workshop in Bahman cultural house for five days during holding the 13th international puppet show biennale, Mobarak. We met these two members of paper theatre workshop in a very short time between to the productions of the workshop too. Two-member group prepared some models with paper, scissors, and glow. They experience how to make a paper model in the paper theatre was something like handicraft profession.

Alain Lecucq who introduced himself with a simple phrase of "I am a puppet artist" and worked with tread puppets and shadow before, but it's belonged to many years ago. In the late of 60s after that I became familiar with puppet theatre and group, is also deputy of international paper theatre festival in Champy of France. "As my exact profession I have to tell you that I'm the director of artists who performed present in all the performances. We produce them together, then perform them and finally hold workshops" she said about her cooperation in this group.

An Interview with Daddy Pudamjee, Manager of UNIMA

Mehrdad Aboulghassemi

In the last election of the World UNIMA, one of the representatives of India was unexpectedly chosen. Before the election with the presence of such countries from Europe and America, everyone thought that other representatives would be selected.

Daddy Pudamjee is the first Asian manager of UNIMA and this is a very important point in the history of UNIMA. He has travelled to Iran 12 years ago for the first time and now he is present in the "Tradition, Theatre and Puppet" seminar. He also is the guest of the biennale during the 13th international Tehran puppet show biennale, Mobarak. You read our interview with him:

You are from an Asian country and Iran is another Asian country too, but UNIMA has had very limited cooperation with Iran during these years. Do you decide to have more collaboration with Iran?

UNIMA is one of the oldest theatrical forms of the world and we celebrated its 8 years old last year. Now, there are 70 countries which are members of UNIMA. But about your question I have to tell that two things; the first is the place of UNIMA which is in a European country, France and so every country has the office of UNIMA too. The interesting point is that if we look closer we can see that Iran with 478 members has the most number of members among the world. The point is that the Iranian UNIMA must start its working at first and announce its programs, then UNIMA can

have collaboration with it. In fact, UNIMA is like the umbrella which covers 70 countries and it must support all of them in the same way. Every national UNIMA must have its programs. Some countries are more active and some less. In the age of Mr. Gharibpour, Iranian UNIMA was really active but suddenly after him it started to fall.

What do you mean of activity?

Holding workshops, classes, festivals, seminars, and all of these are some of activities that we want to have. For example, holding the biennale is a good activity.

With high numbers of Iranian members in UNIMA, don't you think that UNIMA's support and activity is small?

The important things for us is that the membership conditions of UNIMA is completely match with human rights rules; color, tribe, language, political view, and...are not effective in your membership. The only thing that is efficient for us is to like puppet show. That is enough. After 80 years this is the first time that non-European boss is selected for the UNIMA and naturally everyone wants to rule others but this is not our idea. We want to have same look to all countries around the world. In Iran many of members don't

know anything about UNIMA and it seems that it doesn't suppose to happen anything.

What was your plan to familiarize UNIMA with Iranians?

The UNIMA encyclopedia was already published and we hope to release it in Iran too and be useful for our members in Iran. I hope Iranian UNIMA to be acted more active than previous and we support it more, because in fact, Iranian puppet show is really one of the most talented puppet shows and its really potential.

How do you see Iranian puppet show atmosphere?

There are many international groups here in the festival and I think it's a really good atmosphere in Iran. They had also good performances too. I think the problem of Iranian puppet show is about lack of information on good performances abroad. The



Mobarak

Daily Bulletin of the 13th
Tehran International
Puppettheater
Festival-mobarak 25jul 2010



Dramatic Arts Center

